

## کدهای اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی

بهزاد ملک‌پور اصل\*؛ فرشته دستواره<sup>۲</sup>

۱. گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۵/۲۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۱۸)

### چکیده

اخلاق کاربردی و به تبع آن اخلاق حرفه‌ای قلمروهایی هستند که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این سو مورد توجه صاحب-نظران برنامه‌ریزی قرار گرفته‌اند. ادبیات مربوط به این قلمروها نظیر هر حوزه‌ی دیگری در عرصه‌ی تکاپوهای انسانی مدام در حال تطور است و به میانجی‌گفت و شنودهای مستمری که میان کنش‌گران مختلف در این عرصه در جریان است، ظرفیت‌ها و جنبه‌های تازه‌ای از ابعاد گوناگون و گسترده‌ی آن آشکار می‌شود. این گستردگی در برخی موارد با دشواری‌ها و احیاناً بدفهمی‌هایی در حوزه‌ی اخلاق حرفه‌ای برنامه‌ریزی همراه است و همین امر ضرورت دقت‌نظر و کنکاش در کدها و گزاره‌های نظری اخلاق حرفه‌ای و پیگیری این مباحث را موجب می‌شود. ردیابی کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی هدف اصلی این مقاله است و بدین منظور از دسته‌بندی، تم‌سازی، مقایسه و نتیجه‌گیری از داده‌ها برای کشف و توضیح کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی استفاده شده است. کدهای اخلاقی موضوع‌های مرتبط با دوراهی‌های اخلاقی در برنامه‌ریزی، زمینه‌ی مطرح شدن اخلاق مساله‌محور را به عنوان دستاورد مقاله و به عنوان یکی از رهیافت‌های مواجهه با این دوراهی‌ها موجب شده است. بحث آموزش اخلاقی برنامه‌ریزان نیز بر مبنای اخلاق مساله‌محور به عنوان یکی از راهکارهای عملیاتی مواجهه با موضوع‌های اخلاقی پیشنهاد شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق حرفه‌ای، اخلاق مساله‌محور، برنامه‌ریزی، کدهای اخلاقی.

## مقدمه

مختلفی را پیموده است. یک مسیر با تردید در مورد پندارهای نوباور<sup>۱۵</sup> و در برابر پرسش نهادن شناخت-شناسی اثبات‌باور توسط جنبش پسا-نوباور، قابل پیگیری است. مقصود اصلی پسا-نوباور، عقلانی و اخلاقی کردن جنبش نوباور بوده است (Allmendinger and Tewdwr-Jones, 2002; Gunder, 2006). مخالفان نوباور، نقش سوءاستفاده از قدرت در کاربست برنامه‌ریزی و بی‌توجهی به موضوع اخلاق و به بیانی دیگر جنبه‌های منفی برنامه-ریزی نوباور را آشکار نمودند. در واقع با تاکید بر موضوع اخلاق، شرح و تفصیل معیارهای هنجاری برای برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی اقدامات توسعه مطرح گردید و نیاز به فراتر رفتن از مرزهای انضباطی<sup>۱۶</sup> برنامه‌ریزی جهت ایجاد خردی<sup>۱۷</sup> مطابق با این دانش (اخلاق برنامه‌ریزی)، احساس شد (Goulet, 2006). اخلاق برنامه‌ریزی یکی از زیرمجموعه‌های اخلاق حرفه‌ای است که خود این اخلاق نیز زیرمجموعه‌ی مجموعه‌ی بزرگتری به نام اخلاق کاربردی محسوب می‌شود<sup>۱۸</sup>. اخلاق حرفه‌ای امروزه مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران برنامه‌ریزی قرار گرفته است. ادبیات اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی نظیر عرصه‌های دیگر اخلاق کاربردی در حال تطور است و مدام جنبه‌های تازه‌ای از آن آشکار می‌گردد. اما بحث‌های مطرح شده در عرصه‌ی اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی با ابهام‌های معنایی همراه است که ضرورت تدوین کدهای اخلاقی و بازبینی آن‌ها به فراخور نیازها و شرایط تغییریابنده را مطرح می‌کند. مسیر دوم برنامه‌ریزی پسا-اثبات‌باور، با انتقاد از تمامیت ساختارباوری، عنوان پسا-ساختارباوری و مسیر سوم، توجه دوباره به عمل‌باوری، عنوان نوع‌عمل‌باوری به خود گرفته است. اما با توجه به مسیر نخست، اخلاق برنامه‌ریزی به سطحی از پیچیدگی<sup>۱۹</sup> رسیده است که به نظر می‌رسد چیزی کمتر از رشد نمایی<sup>۲۰</sup> نیست. ادامه و همراهی با توسعه و تحولات نظری، حرفه‌ای و آموزشی در این زمینه نیز به طور فزاینده‌ای چالش برانگیز شده است

در سال‌های اخیر تسلط پسا-اثبات‌باوری<sup>۱</sup> بر نظریه-ی برنامه‌ریزی<sup>۲</sup>، به درستی، بستر سیاسی، اجتماعی و اخلاقی این نظریه‌ها را پُررنگ کرده است. این تاثیر به میانجی رهیافت‌های مختلف، از جمله رهیافت‌های مشارکتی<sup>۳</sup>، پسا-نوباور<sup>۴</sup> و نو-عمل‌باوری<sup>۵</sup> چشم‌گیر بوده است. در این راستا برنامه‌ریزی را دارای تاریخچه-ای از عمل و تفکر مرتبط با دو مکتب فکری نوباور<sup>۶</sup> و اثبات‌باوری<sup>۷</sup> دانسته‌اند (Almendinger, 2001, 2002). در حقیقت دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی اوج خوش‌بینی روش‌شناسی‌های نوباور بود که نشانه‌های آن را می‌توان در برنامه‌ریزی جامع-عقلانی<sup>۸</sup> و گسترش فنون و مدل‌های کمی<sup>۹</sup> برنامه‌ریزی مشاهده نمود که در آن موضوع اخلاق برنامه‌ریزی جایگاه روشنی نداشت. منظر نظریه‌ی برنامه‌ریزی از اواخر سده‌ی بیستم و در آغاز سده‌ی بیست و یکم میلادی آمیزه‌ای از دورنماهای نظری تحت تسلط پسا-اثبات-باوری متاثر از هابرماس<sup>۱۰</sup> است که بر نظریه‌پردازی برنامه‌ریزی و طرح موضوع اخلاق تاثیر زیادی گذاشته است (Faludi, 1987; Feldman, 1996; Fainstein, 2000; Allmendinger, 2001, 2002). از این‌رو، در زمینه‌ی نظریه‌پردازی و عمل برنامه‌ریزی، تضاد میان اصول علمی و اخلاقی با منافع مورد توجه قرارگرفته است (Sanyal, 2002). پسا-اثبات‌باوری از این منظر، بخشی از دگرگونی بزرگ‌تری در فهم و حساسیت‌ها در نظریه‌ی اجتماعی و فلسفه‌ی علم بوده است که از چند جهت‌گیری متفاوت سرچشمه گرفته است. یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های یاد شده چالش‌هایی بود که از سوی فیلسوفان علوم طبیعی مانند کوهن<sup>۱۱</sup>، پسا-نوباوران و پسا-ساختارباورانی مانند فوکو<sup>۱۲</sup> و نظریه‌پردازان انتقادی مانند هابرماس و آدورنو<sup>۱۳</sup> مطرح شد. این تغییرات دربردارنده‌ی انتقادی بر منطق اثبات‌باوری-پی‌جویی و کشف مجموعه‌ای از قواعد روش‌شناختی<sup>۱۴</sup> یا اشکال استنتاجی عام و یکسان در ارتباط با علوم طبیعی و اجتماعی بود. با توجه به این تغییرات پسا-اثبات‌باوری در برنامه‌ریزی مسیرهای

اجتماعی و شناخت در حوزه‌ی عمومی با هدف تامین منفعت عامه<sup>۲۳</sup> هستند. تصور انجام صحیح این مسئولیت ارزشمند، ذهنیت همگان را به سمت و سوی اخلاق در این حرفه و الزامات آن سوق می‌دهد. در این میان برخی از برنامه‌ریزان شهری بحث‌های اخلاقی را نسبتاً ساده می‌انگارند، این درحالی است که صحت فعالیت‌های روزمره آنان و بحث درباره محتوای اخلاقی<sup>۲۴</sup> کاربرست برنامه‌ریزی<sup>۲۵</sup>، روش‌ها و سیاست‌های آن موضوعی بسیار با اهمیت است. در حقیقت، موضوع‌های اخلاقی در بیشتر تصمیم‌های برنامه‌ریزی وجود دارند و برنامه‌ریزان در بسیاری از موارد با این موضوع‌ها مواجه می‌شوند. "در واقع برای برنامه‌ریزان، اخلاق تعیین کننده مرزهای رفتاری قابل پذیرش است. به طوری که بدنه اخلاق حرفه‌ای را هنجارهای پذیرفته شده رفتاری<sup>۲۶</sup> تشکیل می‌دهد. این هنجارها که برخی از آنها توسط انجمن برنامه‌ریزان آمریکا<sup>۲۷</sup> گذاری شده‌اند، به عنوان راهنما برای برنامه‌ریزان جهت وفادار ماندن به حرفه خود هستند"<sup>۲۸</sup> (Howe and Kaufman, 1979). اما دغدغه اصلی در امر اخلاق در برنامه‌ریزی، نبود معیارهای مشخص در این حوزه از عمل و قضاوت است؛ چرا که عموماً برنامه‌ریزی در این زمینه به عنوان یک انتخاب میان تضادها تلقی می‌گردد و از این جهت سرشت آن ستیزه جو-گر<sup>۲۹</sup> جلوه می‌کند و در نتیجه برنامه‌ریزی با قضاوت اخلاقی سر و کار دارد. در این میان برخی از ارزش‌ها همچون موضوع «عدالت» می‌تواند به عنوان معیار قضاوت اخلاقی عمل کند (Campbell, 2012). اخلاق در برنامه‌ریزی را می‌توان به چهار گروه متمایز طبقه‌بندی کرد (شکل ۱).

(Campbell, 2012) که این مقاله با اختیار مسیر نخست در پی تاباندن نوری بر زمینه‌های مطرح شدن اخلاق در نظریه و کاربرست<sup>۳۱</sup> برنامه‌ریزی در ایران است. بدین منظور ابتدا روش‌شناسی پژوهش که مبتنی بر تحلیل مضمون متون مرتبط با اخلاق برنامه‌ریزی و چرایی اختیار آن توضیح داده خواهد شد و بر این مبنا ردیابی کدهای اخلاقی در سطح و مقیاس‌های مختلف آن در دستور کار مقاله قرار خواهد گرفت و در ادامه مبتنی بر رهیافت منتخب مقاله، راه کارهای برنامه‌ریزی مبتنی بر هنجارهای اخلاقی و زمینه‌مند که در این مقاله اخلاق مساله‌محور نامیده شده است ارائه خواهد شد.

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اخلاق و علم اخلاق یعنی مجموعه دستورالعمل‌هایی که امکان زیست اخلاقی را برای فرد و جامعه فراهم می‌آورند. در همه‌ی عرصه‌های حرفه‌ای هدف اصلی، حفظ اعتبار و کمک به بالا بردن کارایی آن است و تربیت افراد و کنش‌گرانی که به عنوان کنش‌گران اخلاقی محسوب می‌شوند، هدف پسینی محسوب می‌شود. بنابراین کنش‌گری همچون برنامه‌ریزی که در یک نهاد برنامه‌ریزی فعال است باید آموزه‌های اخلاق حرفه‌ای مربوط به آن نهاد را رعایت کند (پایا، ۱۳۹۵). بدین سبب از آنجایی که موضوع اخلاق و به‌ویژه اخلاق حرفه‌ای و هنجارهای رفتاری آن در زمینه‌های گوناگون برنامه‌ریزی به‌طور کلی و برنامه‌ریزی شهری به‌طور خاص و هدف‌های این حرفه با اهمیت جلوه می‌کند، در ادامه‌ی نوشته به‌طور فشرده به هر یک از این مفاهیم اشاره می‌شود. اخلاق، هنجارهای رفتاری و اخلاق حرفه‌ای برنامه‌ریزان شهری به مثابه‌ی جراحانی محتاط<sup>۳۲</sup>، بیش از هر چیزی عهده‌دار عمل



شکل ۱: چهار گروه متمایز اخلاق در برنامه‌ریزی

ریزی را در نظر می‌گیرند و تاثیرات هنجاری بر برنامه‌ریزان را در شرایط مختلف مورد بحث قرار می‌دهند. در واقع انتخاب اخلاقی در برنامه‌ریزی، به جای این که از هنجارهای ثابتی باشد، بیش‌تر به عنوان یک فرایند جستجو برای ارزش‌های هنجاری جدید توصیف می‌شود. در کاربری برنامه‌ریزی، دیدگاه‌های سیاسی، نگرش و تعلق سازمانی و توجه به ارزش‌ها در کار، در توضیح این که چرا برخی برنامه‌ریزان تفکر متفاوتی درباره‌ی این که چه چیزی اخلاقی است دارند، بسیار مهم هستند. برنامه‌ریزان در بیشتر موارد دیدگاه اخلاقی متفاوتی دارند که این مورد از نقش آن‌ها نشأت می‌گیرد (شکل ۲). برنامه‌ریزانی که تمامیت فنی<sup>۴۷</sup> خود را در کار حفظ می‌کنند عموماً نقش تکنسین<sup>۴۸</sup> را ایفا می‌نمایند. در واقع این برنامه‌ریزان رها از ارزش هستند که به واسطه‌ی کار برای تصمیم‌گیرندگان، در برابر عموم مردم مسئول هستند و برای اجرای توصیه‌ها و برنامه‌های "خوب" خود، به همان تصمیم‌گیرندگان وابسته هستند. گروه دوم برنامه‌ریزانی را شامل می‌شود که کنش‌گران سیاسی<sup>۴۹</sup> هستند و به گونه‌ی آرمانی، متعدد به ارزش‌ها و در پی توجه به گروه‌ها و مسائل مرتبط با منافع عمومی هستند. برنامه‌ریز به منزله کنش‌گر سیاسی، در اجرای برنامه‌ها بیشتر مایل به کار فعالانه در سیستم سیاسی است. اما نقش یکپارچه و کاراتر، نقش سوم است که هردو جنبه فنی و سیاسی را در بر می‌گیرد. این گروه ترکیبی‌ها<sup>۵۰</sup> نامگذاری شده‌اند و در هر دو سنجه‌ی فنی و سیاسی سهم بالایی دارند، بنابراین تنش بین دو بعد نقش را بیشتر احساس می‌کنند و نیز می‌توانند شکاف میان این دو نقش را پر کنند. بدین سبب بحث اساسی در مورد نقش‌های برنامه‌ریزان، سوگیری آنان نسبت به نقش<sup>۵۱</sup> در انتخاب‌های اخلاقی است (Howe and Kaufman, 1979). اخیراً نقش دیگری برای برنامه‌ریزان با توجه به ویژگی‌های آنها تعریف شده است که آن نقش را حرفه‌دوستان<sup>۵۲</sup> در نظر گرفته‌اند. "برای این نوع از برنامه‌ریزان، برنامه‌ریزی تنها یک شغل و حتی حمایت از دیگر مشاغل محسوب می‌شود که تصمیمات راهبردی در آن در درجه نخست جهت

گروه نخست شامل مفاهیم اخلاقی مرتبط با شیوه‌های دیوان سالاری<sup>۳۰</sup> است. در دومین گروه، قضاوت‌های اخلاقی<sup>۳۱</sup> برنامه‌ریزان در تدابیر اداری<sup>۳۲</sup> و اختیارات تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند که متأثر از رفتار و خصوصیات شخصی آن‌ها هستند و در زعم آنان به منزله‌ی راهی برای دستیابی به رفاه عمومی<sup>۳۳</sup> است. گروه سوم به‌عنوان پیچیده‌ترین گروه، دربردارنده‌ی مفاهیم اخلاقی<sup>۳۴</sup> مانند تعهد<sup>۳۵</sup>، دانش و شایستگی<sup>۳۶</sup>، وفاداری<sup>۳۷</sup> و غیره در روش‌ها و محتوای اخلاقی ضوابط و معیارهای موجود در برنامه‌ریزی است. برای مثال در زمینه مفاهیم اخلاقی مانند تعهد و فضیلت<sup>۳۸</sup>، می‌توان به ویژگی‌های یک فرایند ایده‌آل تصمیم‌گیری توسط سیاست‌گذاران عمومی و تعهدات متضادی که تصمیم‌گیرندگان هنگام انتخاب‌های عملی با آن مواجه هستند، اشاره کرد. بدین لحاظ با وجود وظیفه‌شناسی-های متناقض در عمل برنامه‌ریزی، مناسب‌ترین رویه‌ی تصمیم‌گیری آن است که کمال مطلوب را به حداکثر ممکن برساند (Wachs, 1985). آخرین گروه از مسائل اخلاقی به ملاحظات گزینه‌های اصلی سیاست‌گذاری<sup>۳۹</sup> اشاره دارد. این موارد اصولاً اساسی‌ترین انتخاب‌های جامعه را نشان می‌دهند که برای برنامه‌ریزان، اغلب مبهم‌ترین و از لحاظ سیاسی جنجال‌برانگیزترین<sup>۴۰</sup> مسائل هستند. به عنوان مثال انتخاب میان حفاظت از یک منطقه حساس محیط زیستی و فایده و کاربرد آن برای شهروندان، نمونه‌ای از انتخاب اخلاقی است که در ماهیت خط‌مشی و سیاست‌های مهم نفوذ می‌کند (Wachs, 1985). همچنین برنامه‌ریزان نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند که در این شرایط هنجارها یا تجویزهای<sup>۴۱</sup> مختلف اخلاقی شکل می‌گیرند و آنان اغلب در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که با خواسته‌های متناقض مواجه می‌شوند. برخی از رهنمودها موجب "نگهداشت سیستم"<sup>۴۲</sup> و برخی "چالش برای سیستم"<sup>۴۳</sup> هستند، اما اساس اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی بر مبنای نگهداشت سیستم است که در این صورت کارایی<sup>۴۴</sup>، هدفی نهایی برای اخلاق حرفه‌ای مدنظر قرار می‌گیرد. سایر رهنمودها نیز در بحث ساختار انتخاب اخلاقی<sup>۴۵</sup>، بنیان‌های هنجاری<sup>۴۶</sup> برنامه-

براساس الزامات فنی عملکردشان در سیستم دیوان سالاری گرفته می‌شود. ملتزنر (۱۹۷۶) این نوع از برنامه‌ریزان را تظاهرکنندگان<sup>۵۳</sup> می‌نامد. ( Lauria and Long, 2017) (شکل ۲).

حفظ حرفه در نظر گرفته شده‌اند. در واقع حرفه دوستان به تمامیت تخصص شان و قانونی بودن دستگاه حکومتی دموکراتیک و تصمیم گیری جمعی آن علاقه‌مند نیستند. تصمیمات راهبردی آنها تنها



شکل ۲: انواع نقش برنامه‌ریزان

### کنکاش در کدهای اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌ریزی

نظریه‌ی برنامه‌ریزی به عنوان راهنمای برنامه‌ریزان در حرفه، به‌طور خاص به موضوع‌های هنجاری مربوط به برنامه‌ریزی مانند "بهتر یا بدتر"، مفاهیم "خوب یا بد"، "درست یا نادرست" و پیامدهای انسانی برنامه‌ریزی، برای نمونه اگر برنامه‌ریزی "آسیب می‌رساند"، باعث "رنج عمومی" یا "خشم" می‌شود، توجه کم‌تری دارد (Ploger, 2004). برنامه‌ریزان معمولاً نظریه‌ی کارآمدی برای دریافت راهنمایی جهت اتخاذ تصمیمات، انجام اقدامات و مواجهه با معضلات اخلاقی ندارند و بنابراین در مورد اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن تصمیمات و اقدامات خود شک و تردید دارند (sanyal, 2002). در واقع به این دلیل است که نظریه برنامه‌ریزی همواره با شکاف شناخت‌شناسی<sup>۶۲</sup> و نظری (اهداف و موضوع)، شکاف سیاسی و مجزا بودن آن از نظریه‌های فرایند توسعه‌ی اجتماعی- فضایی<sup>۶۳</sup> و ارزش‌های آن و شکاف آمیزگری<sup>۶۴</sup> (ترکیب رهیافت‌ها و وام گرفتن نظریه‌ها) مواجه بوده است (عبدی دانشپور، ۱۳۸۲). به طور کلی چون نقش برنامه‌ریزان، همکاری در کسب راهبردهای حافظ منافع مشترک<sup>۶۵</sup> است (Ploger, 2004)، از اینرو "مسئولیت ویژه برنامه‌-

"اخلاق حرفه‌ای که زیر مجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است، قلمرویی است که در چند دهه اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته است" (پایا، ۱۳۹۵). در این حوزه از اخلاق درباره جنبه‌های خاص اخلاقی مربوط به یک حرفه خاص بحث می‌شود. همچنین در این زمینه از یافته‌های نظریه اخلاق بهره فراوان گرفته می‌شود. (پایا، ۱۳۹۵) "اخلاق حرفه‌ای<sup>۶۴</sup> در برنامه‌ریزی را می‌توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. اولین دیدگاه بر ارزش اجتماعی<sup>۶۵</sup> حرفه برنامه‌ریزی<sup>۶۶</sup>، حرفه‌ای شدن آن و بررسی اینکه چگونه اخلاق حرفه‌ای بر رفتار برنامه‌ریزان در عمل<sup>۶۷</sup> اشاره دارد. دیدگاه دوم نیز ارزش اجتماعی برنامه‌ریزی را مورد سوال قرار می‌دهد و بر اخلاق حرفه‌ای در بستری گسترده‌تر می‌نگرد" (Marcuse, 1976). اخلاق حرفه‌ای می‌تواند از نقش فعلی خدمت به کارسپار<sup>۶۸</sup> به منظور تحلیل اثرات واقعی سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که مسائل اخلاقی در آنها در حال وقوع است، فراتر رود. بنابراین اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به موضوع قدرت و انجام اقداماتی برای ترویج ارزش‌هایی مانند برابری<sup>۶۹</sup>، دموکراسی<sup>۶۰</sup> و روابط جدید قدرت<sup>۶۱</sup> بپردازد (Sadri, 2012).

۱۳۹۰). در این میان، خرده نظام‌های اجتماعی و فرهنگی تاثیر فراوانی بر کنش دارند؛ نظام اجتماعی شامل مجموعه‌ی شبکه‌ی کنش‌گران است که اخلاق به عنوان جز اصلی این نظام محسوب می‌شود و مبتنی بر اصول، وظایف و مجموعه‌ای از قواعد ارزشی و هنجاری است. نظام فرهنگی نیز شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها است. بنابراین با توجه به کنش در درون این دو خرده نظام و ویژگی‌های آن، اخلاق دو بعد بسیار مهم اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. بعد فرهنگی اخلاق همان اخلاق نظری و شامل مجموعه‌ای آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاق است که ریشه در فرهنگ جامعه دارند. در واقع در خرده نظام فرهنگی معیارها و هنجارهای اخلاقی مطرح می‌شوند. بعد اجتماعی اخلاق نیز همان اخلاق عملی و احساس مسئولیت بر مبنای فرمان‌های اخلاقی در برابر دیگری است. در این خرده نظام، روابط از نوع تعاملی و مبادله‌ای گرم است که صبغه‌ی عاطفی، انتشاری و جمع‌گرا دارد. افرادی که ذخایر ارزشمند بیش‌تری داشته باشند، رفتارهای دگرخواهانه و ایثارگرانه دارند. در نظام اجتماعی زمینه برای گسترش خیر عمومی، تعهدات عمومی و مودت اجتماعی فراهم می‌شود. زمانی که روابط اجتماعی در ابعاد مختلف معرفتی (آموزش)، مادی (اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (کرامت انسانی) بیشتر باشد، به همان اندازه محرومیت و انفعال اجتماعی کاهش می‌یابد (چلبی، ۱۳۷۵؛ نقدی، ۱۳۹۴). بدین ترتیب با توجه به اهمیت و نقش مهم اخلاق در درون خرده نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، برای تبیین بحث اخلاق و قواعد ارزشی و هنجاری آن در این نوشته، اخلاق به سه گروه اخلاق توسعه، اخلاق کار پرورستانی و اخلاق کار (چلبی) تقسیم‌بندی می‌شود. اخلاق توسعه، ارزیابی هنجاری یا اخلاقی اهداف و ابزارهای توسعه در مقیاس‌های گوناگون است که هدف اصلی آن انسانی- اخلاقی کردن تصمیمات و اقدامات مربوط به توسعه و برنامه‌های مرتبط با آن است (مومنی، ۱۳۸۵). در حقیقت در اخلاق توسعه شرایط عام دستیابی به توسعه اخلاقی از سه مسیر می‌گذرد. مسیر نخست، وجود برنامه مدون با ارزش‌های عینی و

ریزان، برنامه‌ریزی برای گروه‌ها و افراد نیازمند و بی- بهره است که باید به اصلاح سیاست‌ها، دیدگاه‌ها، نهادها و تصمیماتی که در تضاد با چنین نیازهایی است، بپردازند. در واقع آنان ملزم به ایجاد و گسترش فرصت و انتخاب برای همه افراد هستند" (Marcuse, 2014). البته این مسئولیت هم بر مبنای نقش و هم بر مبنای نوع گفتمان سیاسی برنامه‌ریز متغیر است. اما تمامی این وظایف که برای برنامه‌ریزان از منظرهای متعددی تعریف شده‌اند به چگونگی نقش آفرینی و ارتباط برنامه‌ریز با نظام برنامه‌ریزی بستگی دارد. برنامه‌ریز شهری به دلیل میان رشته‌ای بودن تخصصش، ملزم به کسب تجربه و فعالیت در درون نظام‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سایر آن‌ها است، عموماً به عنوان نوعی کنش‌گر یا کارگذار با نظام‌های مختلف کنش در تماس است. بدین لحاظ شناخت و آکاوی نظام‌های کنش برنامه‌ریز امری ضروری برای آگاهی از چگونگی نقش آفرینی برنامه‌ریز در حرفه‌اش است. واحد کنش یا واحد عمل در حقیقت کوچک‌ترین واحد یک نظام کنش است. این واحد شامل تمامی کنش‌گرانی است که دارای اهداف و مقاصد هستند. این کنش‌گران در انتخاب وسایل و مقاصد خود آزادی تام ندارند. محیط کنش نیز ارزش‌ها و هنجارهایی دارد که تعیین‌کننده‌ی مسیر برای کنش‌گران است. همچنین واحد کنش، خرده نظام‌های شخصیت، اجتماعی و فرهنگی و رفتاری را در بر می‌گیرد. بنابراین در این خرده نظام‌های واحد کنش، برنامه‌ریز به شکل یک کارگذار و با عمل خود، موجب ساختاریابی خرده نظام‌ها می‌شود. طبق دیدگاه گیدنز نوعی رابطه‌ی متقابل دیالکتیکی و دوگانه میان کارگذار و ساختار خرده نظام‌ها وجود دارد، به عبارتی ساختار و کارگذار را نمی‌توان جدا از هم تصور کرد. آن‌ها دو روی یک سکه و پدیده‌های دوگانه هستند. از نظر وی هر کنش اجتماعی در برگیرنده ساختاری در خرده نظام‌ها است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. بدین لحاظ کنش‌گر، کارگذار و ساختار خرده نظام‌ها، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر، در فعالیت روزمره در یک‌دیگر تنیده شده‌اند (ادریسی و همکاران،

مشخص در نظام تعلیم و تربیت رسمی است. دومین مسیر، تقویت ملاک تلاش در توزیع منابع است. سومین مسیر، از ترکیب عاطفی سه شرط لازم به کارگیری ملاک شایستگی در توزیع منابع؛ محترم دانستن سلسله مراتب و کمینه سازی وفاداری سیاسی در نظام تعلیم و تربیت رسمی برخوردار بوده است. در این میان جوامعی که توانسته‌اند اجتماع سازمانی را در سطح سیستم تقویت کنند، در تعمیم تعهد اعیان اجتماعی و تحقق این سه مسیر موفق تر بوده‌اند (نقدی، ۱۳۹۴). همچنین در اخلاق توسعه، ارزش‌ها اساس رفتار آدمی تلقی می‌گردند. تغییرات اجتماعی، تعیین اولویت‌ها و هنجارهای مرتبط با آن، ارائه تعریف و خوانشی اخلاقی از موضوع‌های مربوط به توسعه و در نهایت ارزش‌های فرهنگی و سنتی مسیر دستیابی به توسعه‌ای اخلاقی را هموار می‌نمایند. دنیس گولت نظریه پرداز اخلاق توسعه بیان می‌کند که استراتژی‌های اخلاق توسعه بدون مشارکت<sup>۶۶</sup>، غیر دموکراتیک و بی نتیجه خواهد بود. وی اصول اخلاق توسعه را مبنایی برای تمدن می‌داند که ویژگی‌های آن برتری طبیعت و غلبه بر خودخواهی است. بنابر موارد مطرح شده، مشارکت و احترام به طبیعت، مثال‌هایی از ارزش‌های اخلاق توسعه هستند (Goulet, 2006). به طور کلی به دلیل اینکه بحث توسعه در الگوهای نوین برنامه‌ریزی و در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. از طرفی تاکید بر ارزش‌های رایج اخلاقی در توسعه، بر بود و نبود فساد و صداقت در روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز حرفه‌ای تاثیر می‌گذارند که ارزش‌ها نیز از کنش‌ها و واکنش‌های متعدد تاثیر می‌پذیرند. بدین سان با تصریح ارزش‌ها در روابط حرفه‌ای و نیز ارزش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، می‌توان معیارها و هنجارهای اخلاقی برنامه‌ریزی شهری را که در نهایت نیل به توسعه در ابعاد گوناگون را هدف قرار گرفته است، مشخص کرد. بسیاری اندیشمندان توسعه بر این باورند که آیین پروتستان، اخلاقیات و اصول آن بر توسعه غرب اثرگذار بوده که از طریق آن می‌توان تأثیر مذهب و باورهای اخلاقی آن را بر زندگی اقتصادی و اجتماعی در

فرهنگ‌های مختلف را مشاهده کرد. اخلاق پروتستانی کار را ارزش و منبعی برای سعادت و رستگاری انسان، ریسک پذیری برای تغییر سرنوشت، برنامه‌ریزی برای آینده و صرفه‌جویی را به عنوان نیرویی مؤثر در توسعه قلمداد نموده است. این خصیصه موجب می‌شود که فرد احساس مسئولیت نموده و در نهایت دقت و کارایی وظایف کاری و شغلی خود را انجام دهد. (شریف زاده و عبدالله زاده، ۱۳۹۵) در این زمینه بر ارزش‌های ریاضت کشانه پروتستانتیسم مانند خویشتن داری (کف نفس)<sup>۶۷</sup>، کار سخت، استفاده صحیح از زمان (وقت شناسی)، کسب منافع فردی، صداقت، نوآوری و خلاقیت و غیره اشاره می‌شود (Harold and Jones, 1997). باورهای اخلاق کار پروتستانی<sup>۶۸</sup> (PWE) بر آموزش، باورهای اقتصادی محافظه کارانه، نمونه باورهای کنترلی و به تعویق انداختن لذت و خوشی استوار است (furnham, 1987). به طور خلاصه اخلاقیات پروتستانتیسم ریاضت کشانه، در طول تاریخ مبنایی برای تکامل سرمایه‌داری و کسب با قاعده منفعت از طریق مبادله اقتصادی به ظاهر مسالمت آمیز بوده است. ریاضت کشی عقلانی پروتستان با قدرت علیه التذاذ خودانگیخته از دارایی عمل می‌کرد و مصرف به‌ویژه مصرف تجملات را محدود می‌نمود. تاثیر روانشناختی آن نیز آزاد ساختن مال جویی از نواهی اخلاقیات سنت گرا بود. در واقع ریاضت در اخلاق پروتستانی به معنای ایجاد سرمایه از طریق پس‌انداز تعبیر می‌شود. همچنین داشتن تعهد نسبت به تکلیف و حرفه، بنیان اصلی چنین اخلاقی است (وبر، ۱۳۸۵). اخلاق کار نیز به معرفی ابعاد بسیار متنوع و پیچیده کار با استفاده از چارچوب اجیل پارسونز می‌پردازد که از نظر مفهومی برای کار چهار بُعد اصلی متصور شده و برای هر بُعد اصلی نیز چهار وجه در نظر گرفته است. چهار بُعد اصلی کار عبارت‌اند از بُعد اثباتی، بُعد شخصیتی، بُعد اجتماعی و بُعد فرهنگی کار. (چلبی، ۱۳۸۹) منظومه عناصر عمده کار در قالب اجیل بیانگر این نکته است که کم و کیف کار، مشروط به چهار عامل اساسی در ابعاد چهارگانه زیر است.

طور ضمنی یا صریح نوعی تکلیف و ادعا نهفته است که به صورت تجربیدی و بالقوه حائز نوعی هدف غایی است (چلبی، ۱۳۹۴). فرهنگی که برای کار ارزشی والا قائل باشد، فعالیت کاری را ناشی از حرص و آز نمی‌داند بلکه آن را ذاتا خیر می‌داند و به عنوان یک ارزش ماهوی تلقی می‌کند و برای فاعل کار نیز فی نفسه فضیلت اجتماعی قائل می‌شود (چلبی، ۱۳۸۹).

### مواد و روش تحقیق

نوشته‌ی پیش‌رو از لحاظ هدف که «ردیابی کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی» است، بنیادی و با توجه به روش منتخب تحلیل مضمون، از نوع پژوهش کیفی است. روش کیفی به تبیین استقرایی و کشف داده‌های ذهنی<sup>۶۹</sup> می‌پردازد که ماهیت آن تفسیری است. (خداوردی، ۱۳۸۷) در حقیقت پژوهش کیفی در جستجوی درک، توصیف و تفسیر تجارب و ادراکات جهت کشف معانی خاص در زمینه‌ها و شرایط مختلف است (Maguire and Delahunt, 2017). بنابراین دلیل انتخاب روش کیفی این است که ردیابی کدهای اخلاقی در سطح و مقیاس‌های مختلف برنامه‌ریزی نیازمند دسته‌بندی، تم‌سازی، مقایسه و نتیجه‌گیری از داده‌ها برای کشف و توضیح کدهای اخلاقی مرتبط با زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی است. بدین سبب روش پژوهش کیفی شیوه‌ای فراخور موضوع و هدف این نوشته است و یکی از انواع آن که فن تحلیل مضمون<sup>۷۰</sup> است، در این مقاله به کار برده خواهد شد. تحلیل مضمون نوعی تجزیه و تحلیل موضوعی و نیز فرایند شناسایی الگوها یا مضامین در داده‌های کیفی است. همچنین تحلیل مضمون مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی است که از طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری می‌توان در آن استفاده کرد. تحلیل قالب مضامین<sup>۷۱</sup>، تحلیل شبکه مضامین<sup>۷۲</sup>، ماتریس مضامین<sup>۷۳</sup> و تحلیل مقایسه‌ای<sup>۷۴</sup> نیز از انواع ابزارهای کاربردی در تحلیل مضمون هستند که در اینجا با توجه به اینکه مضامین در بین منابع و افراد مختلف بررسی و تطبیق داده می‌شوند، روش تحلیل مقایسه‌ای به کار برده خواهد

بُعد اثباتی کار: در بُعد اثباتی کار، کنش گر در برخورد اثباتی با محیط با صرف انرژی یدی و فکری (فعالیت کاری) در ارتباط با دیگران موضوع کار را آنچنان تغییر می‌دهد تا وضعیت مطلوب (محصول کار) جهت رفع نیاز حاصل شود. بنابراین حداقل می‌توان چهار وجه برای بُعد اثباتی کار قائل شد که عبارت‌اند از: موضوع کار، فعالیت کاری، شرایط کار، کیفیت کار. کار در بُعد اثباتی بر اصل بهینه سازی مبتنی است (چلبی، ۱۳۹۴).

بُعد شخصیتی کار: فرد انسانی در چارچوب ساخت اجتماعی و از طریق فرایند جامعه پذیری نظام شخصیت خود را کسب می‌نماید تا بتواند در امور مختلف اجتماعی شرکت کند و یکی از این امور اجتماعی مهم، کار در جامعه است. بنابراین در این مورد نیز می‌توان چهار جنبه شخصیتی عمده برای کار قائل شد که عبارت‌اند از مهارت کاری، انگیزه کاری و هویت کاری که شامل هویت فردی و هویت جمعی در کار است. کار در بُعد شخصیتی مبتنی بر اصل تحقق است. تحقق کار و کم و کیف آن به نظام شخصیتی نیز بستگی دارد (چلبی، ۱۳۹۴).

بُعد اجتماعی کار: به همین سیاق برای بُعد اجتماعی کار نیز می‌توان چهار وجه اصلی در نظر گرفت که عبارت‌اند از روابط کاری، ضمانت اجرای کار، هنجارهای کار و تعهدات کاری. کار در بُعد اجتماعی بر اصل سازگاری مبتنی است. نظم و انضباط اجتماعی کار منوط به کم و کیف روابط کاری، ضمانت اجرای کار، هنجارهای کار و از همه مهم‌تر تعهد کار است، چرا که از آنجایی که تعهد کار بُعد عملی اخلاق کار را شکل می‌دهد، بیشترین اثر تنظیمی را بر کار دارد (چلبی، ۱۳۹۴).

بُعد فرهنگی کار: این بُعد کار به معنای نگاه فرهنگی به ماهیت کار از بالاترین منظر یعنی فرجام شناسی فرهنگی کار است. طرح نظری غایت شناسی فرهنگی کار ایجاب می‌کند که به ماهیت و معنای کار و ابعاد آن توجه شود. در بُعد فیزیکی کار حاوی نوعی فعالیت است. در بُعد زیستی کار مستلزم نوعی تخصیص انرژی فکری و یا انرژی جسمانی است. همچنین در کار به



شد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). روش تحلیل مقایسه‌ای از آن‌جا که سعی دارد مجموعه‌ای از علل را که با همدیگر در پیدایش یک پدیده موثر هستند هم‌زمان مورد بررسی قرار دهد، در این پژوهش به کار گرفته شده است. این روش در پی آن است که پژوهش را از نگاه تک بعدی به موضوع اخلاق حرفه‌ای خارج کند و سویه چندبعدی و چندعلتی بدان بخشد. از این‌رو پس از متن‌خوانی و تفحص در منابع و اطلاعات موجود، به تحلیل مضمون توصیفی و تفسیری پرداخته شده که دارای قابلیت مشاهده مضامین در متن هم به صورت مکنون و هم مشهود است. در واقع با تاکید بر مضامین پایه<sup>۷۵</sup>، نقش مضمون در تحلیل نقشی کلیدی و مبین نکته‌ای مهم و برجسته در متن است که با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود. بدین سان پس از طی فرایند تحلیل مضمون (آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضمون‌ها، بازبینی مضمون‌ها، تفسیر، تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها) در منابع و اطلاعات کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع نوشته، کدهای اصلی و مرتبط با یکدیگر تلفیق و ترکیب شده‌اند که به منزله-ی مضامین پایه و کدهای ردیابی شده پژوهش در نظر گرفته شده‌اند (جدول ۱).

### یافته‌های تحقیق

در نهایت با توجه به موارد مطرح شده می‌توان گفت که دستورالعمل‌ها، رفتار حرفه‌ای و کدهای اخلاقی حاصل از آن‌ها، انتظاراتی که از برنامه‌ریزان وجود دارد را توصیف می‌کنند و حاوی استانداردهای رفتاری و ارزش‌ها هستند. برای نمونه ارزش‌هایی همچون

مسئولیت<sup>۷۶</sup>، تکریم<sup>۷۷</sup>، انصاف<sup>۷۸</sup> و صداقت<sup>۷۹</sup>. علاوه بر این آن‌ها بر آرمان‌های حرفه و رفتارهای مورد انتظار در نقش‌های داوطلبانه و حرفه‌ای تاکید می‌کنند. بدین سان، اعتبار<sup>۸۰</sup> حرفه و برنامه‌های اجرایی و مدیریتی آن نیز توسط رفتار جمعی تک تک برنامه‌ریزان ایجاد می‌شود (PMI). امروزه کدهای اخلاق حرفه‌ای<sup>۸۱</sup> قویا بر مسئولیت‌های شخصی متخصصان به جای سازوکارهای حرفه و مشکلات اخلاقی در این سازوکارها تمرکز می‌کنند. در حقیقت کدهای اخلاقی ثابت می‌کنند که حرفه متعهد به شیوه‌های برتر رفتاری و تلاش برای تقویت بازار حرفه است (Sadri, 2012). بنابراین از آنجایی که ملاحظات اخلاقی برای بسیاری از جنبه‌های برنامه‌ریزی ضروری هستند، اما شالوده تصمیم‌های اخلاقی برنامه‌ریزان به خوبی تعریف نشده است (Lauria and Long, 2017)، در ادامه این نوشته برای درک بهتر کدهای اخلاقی برنامه‌ریزان شهری به ارائه و بررسی تعدادی از هنجارها یا تجویزهای اخلاقی<sup>۸۲</sup> که به عنوان کدهای اخلاقی و راهنما برای برنامه‌ریزان شناخته شده و در سطح و مقیاس‌های مختلف با استفاده از روش تحلیل مضمون ردیابی شده‌اند، پرداخته می‌شود. در حقیقت، با مطالعه متون و ایجاد کدهای اولیه و دسته‌بندی آن‌ها از دیدگاه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فنی و فلسفه‌ی اخلاق (مصادق دیگر آن دیگر-دوستی) و نیز سایر دیدگاه‌ها، به جستجوی مضمون‌ها، بازبینی و در نهایت تفسیر و نام‌گذاری آن‌ها اقدام شده است. البته موضوع مورد توجه در این زمینه این است که تعداد کدهای اخلاقی بسیار زیاد و نیز تفسیرها درباره آن‌ها متفاوت، گسترده و دوجنبه‌ای است (جدول ۱).

جدول ۱: گزاره‌ها و کدهای استخراج شده از متون بر اساس روش تحلیل مضمون

ردیف	گزاره‌های استخراج شده از متون	تحلیل متن	عضایم پایه
۱	اعضای حرف مختلف همواره در معرض آزمون سختی قرار دارند؛ قرار گرفتن در جایگاه حرفه‌ای و اقدامات آن در رابطه با خدمات ارائه شده به دیگران مورد سنجش قرار گیرد. در واقع وجهی اجتماعی فعالیت‌های حرفه‌ای که در راستای پیگیری منافع گروهی است، عمدتاً با معیار منافع جمعی مورد آزمون و سنجش قرار می‌گیرد. - تصمیم‌گیری‌های ما براساس منافع جامعه، امنیت عمومی و محیطی است.	اجتماعی- دیگر دوستی دیگر دوستی	توجه به منفعت عموم
۲	رتوریک <sup>۸۲</sup> حرفه‌ای مرتبط با خدمات اجتماعی و دیگرخواهی می‌تواند عاملی مهم در شکل‌دهی و تنظیم کاربست‌های حرف فردی باشد، اما این جنبه‌ی اجتماعی باید در راستای مشروعیت‌بخشی به حرفه باشد و نمی‌تواند هم‌چون قانونی برای حرفه عمل نماید. - ما در برنامه‌ها و پروژه‌ها با گروه‌های مقابل با حسن نیت و بر مبنای اصول حرفه خود مذاکره می‌کنیم.	اجتماعی- دیگر دوستی دیگر دوستی	روحیه‌ی دگرخواهی- رقابت‌طلبی از طریق توانمندی حرفه‌ای
۳	برنامه‌ریزی شهری به لحاظ زیبایی‌شناسی باید محیطی مطلوب برای مردم فراهم کند که به معنای تعهد برنامه-ریزان شهری برای فراهم کردن چنین محیطی برای همه و نه تنها افراد دارای امتیاز ویژه است. به این دلیل است که برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزان شهری می‌بایستی توجه ویژه به محیط زندگی آن دسته از مردم که در محرومیت به سر می‌برند و محیط محلی‌شان کیفیت چندانی ندارد، داشته باشند. به بیانی دیگر انسجام و منطق درونی و نه دل‌خواهانه‌ی کدهای اخلاقی برنامه‌ریزی، این حرفه را به سمت کیفیت محیطی و ایجاد فرصت‌های برابر در این زمینه سوق می‌دهد.	سیاسی- دیگر دوستی	تعهد- عدالت- انصاف
۴	در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای برای برنامه‌ریزی شهری، فرآیند دست‌یابی به اهداف برنامه‌ریزی شهری باید گشوده و دموکراتیک <sup>۸۴</sup> باشد. افرادی که در معرض تغییرات ناشی از اهداف برنامه‌ریزی هستند باید درباره‌ی تغییرات اظهار نظر کنند.	سیاسی	دموکراتیک
۵	-توجه به موضوع عدالت در برنامه‌ریزی با قضاوت اخلاقی مبتنی بر موقعیت گره خورده است و این برخلاف نظر رالز است که به موضوع عدالت وظیفه‌گرایانه نگاه می‌کند نه مبتنی بر موقعیت.	سیاسی- دیگر دوستی	قضاوت مبتنی بر موقعیت <sup>۸۵</sup>
۶	برنامه‌ریز شهر پیش‌نویس پیشنهادی طرح کنترل آلودگی را در نماینده گروه محیط زیستی قرار می‌دهد که هیچ‌گونه سیاست سازمانی در مورد انتشار چنین اطلاعاتی وجود ندارد.	سیاسی	انتشار پیشنهادات پیش‌نویس برنامه طبق درخواست <sup>۸۶</sup>

ردیف	گزاره‌های استخراج شده از متون	تحلیل متن	مضامین پایه
۷	برنامه‌ریز شهری که طرفدار ایجاد سیستم حمل و نقل منطقه‌ای کم‌هزینه و با دسترسی بالا برای فقرا است. تخمین‌ها را برنامه‌ریزان مخالف کرایه پایین را دستکاری می‌کند تا در آن میزان بازده/شدت استفاده از سیستم را بالا نشان دهد.	سیاسی-فنی	تحریف اطلاعات <sup>۸۷</sup>
۸	مدیر برنامه‌ریزی منطقه‌ای تهدید می‌کند در صورتی که مقامات محلی از برنامه مدیریت رشد منطقه‌ای حمایت نکنند. با استفاده از اختیارات A-95 سازمان. مجاز به رد کردن پروژه‌های محلی است.	سیاسی-فنی	تهدید <sup>۸۸</sup>
۹	برنامه‌ریز شهری تعیین شده برای کار در محله‌ای با درآمد پایین، بدون مجوز، اطلاعات را جهت انجام پژوهش توسط یک سازمان برنامه‌ریزی دیگر، در اختیار رئیس سازمان محلی قرار می‌دهد.	سیاسی-فنی	افشای اطلاعات <sup>۸۹</sup>
۱۰	برنامه‌ریزان حومه‌ای <sup>۹۰</sup> تصمیم می‌گیرند که از مردم محلی حمایت کنند تا مقامات حومه را جهت تغییر سیاست منطقه‌بندی انحصارگرانه اجتماع، تحت فشار قرار دهند.	سیاسی	سازماندهی ائتلاف پشتیبان، برای تحت فشار قرار دادن <sup>۹۱</sup>
۱۱	برنامه‌ریز اقتصادی که در ابتدا از جنبه‌های فنی طرح پیشنهاد شده توسط شرکت توسعه اجتماعی، انتقاد می‌کند، اما بعداً با سفارش مدیر پشتیبانی، طرح را به کمیسیون پیشنهاد می‌کند.	سیاسی	تغییر قضاوت فنی به دلیل اعمال فشار <sup>۹۲</sup>
۱۲	مدیر برنامه‌ریزی برای ایجاد یک جو بحرانی درباره آلودگی و خطرات سلامتی آبراه‌های شهری، کمیونی را راه‌اندازی می‌کند و با برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی در کنار آلوده‌ترین آبراه‌های شهری، در پی پوشش رسانه‌ای آن است.	اجتماعی-سیاسی	درماندگی جلوه دادن (غلوآمیزی) مساله برای غلبه <sup>۹۳</sup> بر بی تفاوتی
۱۳	برنامه‌ریز ناحیه‌ای، بدون مجوز، به یک گروه شهروندی که به دنبال لغو تصمیم منطقه‌بندی مجدد ناحیه‌ای در دادگاه هستند و کارکنان برنامه‌ریزی ناحیه‌ای مخالف آن هستند، اطلاعات و مشاوره می‌دهد؛ در حالی که این منطقه‌بندی مجدد، به شرکت نفت اجازه می‌دهد که پالایشگاهی در زمین ساحلی بزرگ و پوشیده از درخت بسازد.	سیاسی	کمک به گروه برای لغو یک عمل برنامه‌ریزی رسمی <sup>۹۴</sup>
۱۴	به انسان، به‌عنوان یک موجود صاحب خرد و شگفت‌انگیزترین پدیده‌ی آفرینش بیندیشم، صدیق و واقع بین باشم.	دیگر دوستی	صداقت و واقع بینی
۱۵	ایران زادگاه من است که در آن زاده و پرورده شده‌ام، کوشش خواهم کرد که دین خود را به سرزمینم، مردمانم، نیاکاتم و آیندگان ادا کنم.	دیگر دوستی	حس وطن پرستی

ردیف	گزاره‌های استخراج شده از متون	تحلیل متن	مضامین پایه
۱۶	سرمایه‌های هستی چون ماده، انرژی، محیط زیست و نیروی کار را سرمایه‌های تمام بشر دانسته، در حفظ، کاربرد درست و بهسازی آنها کوشش نمایم.	دیگر دوستی	توجه به حفظ سرمایه‌های متعدد هستی
۱۷	در تمام فعالیت‌های مهندسی خود دقت، نظم، سرعت عمل را مراعات نمایم و رشوه‌خواری و سایر رذائل اخلاقی را طرد نموده و برای زحمات خود ارزش مادی‌ای در حد معقول و متعارف طلب کنم.	دیگر دوستی- سیاسی	دقت- نظم- قانونمندی- سرعت عمل- طرد رذائل اخلاقی همچون رشوه خواری- ترجیح خدمت بر درآمد
۱۸	در تمام کوشش‌های مهندسی خود از دانش روز و آخرین یافته‌های علمی و فنی آگاه شوم و آن‌ها را با ابتکار، خلاقیت و نوآوری در طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا به کار بندم.	فنی	نوآوری و خلاقیت
۱۹	در انجام وظایف حرفه‌ای محوله، فردی متعهد، مسئولیت پذیر، مشارکت پذیر و رازدار باشم. - ما مسئولیت هرگونه مسائلی که ناشی از اشتباه و یا غفلت ما باشد را می‌پذیریم. - ما از اطلاعات اختصاصی یا محرمانه سپرده شده، محافظت می‌کنیم.	دیگر دوستی سیاسی	تعهد- مسئولیت پذیری- مشارکت پذیری- دلبستگی به کار- اعتماد- امانتداری
۲۰	در کوشش‌های مهندسی خود همیشه فردی متواضع باشم و نیز جویا و پذیرای نقد و اظهارنظر بوده، و برای همکاری گروهی و نقش دیگران ارزش قایل باشم و از لطمه زدن به حیثیت، شهرت، دارایی یا اشتغال دیگران پرهیز کرده از اقدامات بدخواهانه برای آنان خودداری کنم.	سیاسی دیگر دوستی	تواضع- انتقادپذیری- طرد اقدامات بدخواهانه نسبت به دیگران- احترام
۲۱	محیطی پر از محبت و صفا و عشق و علاقه به خدمتگزاری بی ریا به مردم و وطنم را به وجود آورم و ارزش‌های انسانی را در خود پرورش دهم.	دیگر دوستی	مردم سالاری
۲۲	در تمام کوشش‌های مهندسی خود استانداردهای حرفه‌ای را مراعات نموده و تنها در حیطه‌ی دانش و توانایی خود کار قبول کنم و تنها مدارکی را امضاء نمایم که به آنها احاطه فنی کامل دارم. در مواردی که منع قانونی و حق مالکیت اختصاصی وجود ندارد، دانش خود را آزادانه و به صورت رایگان منتشر نموده و در اختیار دیگران قرار دهم. - ما فقط آن تکالیفی را می‌پذیریم که با سابقه، تجربه و مهارت ما سازگار هستند.	فنی- دیگر دوستی	پیوند نظر و عمل- شایسته سالاری- وجدان حرفه‌ای

منبع: (Howe and kaufman, 1979) و (Campbell, 2012) و (Taylor, 1992) و (Project Management Institute(PMI) و (متن سوگندنامه نظام مهندسی ساختمان)

### بحث و نتیجه‌گیری

سطور پیشین بیان شد می‌توان گزاره‌های زیر را مورد توجه قرار داد:  
نخست: سر و کار اخلاق و کدهای حرفه‌ای با "مسائل" و "دوراهی‌ها"<sup>۹۵</sup> است یعنی با اوضاعی درگیر است که مشکل می‌توان فهمید چه باید کرد؛

به‌طور کلی درباره‌ی موضوع اخلاق و کدهای اخلاقی هم‌رایی وجود ندارد اما براساس جدول بالا و آن چه در

این مربوطند که چگونه می‌توان از افتادن در دام‌هایی که در سر راه افراد ناآگاه قرار می‌گیرد و آن‌ها را دچار نوعی شخصیت نامطلوب می‌کند، اجتناب کرد (Edmund, 2004). هنگامی که ارسطو درباره‌ی تدبیر اخلاقی بحث می‌کند در پی یافتن دلایلی برای حل مسایل اخلاقی نیست، بلکه می‌خواهد تعیین کند ما چه زمانی مسئولیت را بر عهده می‌گیریم و این که چه مرزی مابین عقل عملی و نظری وجود دارد. اخلاق مساله‌محور با تغییر ساختار اجتماعی جوامع نیز سروکار دارد. این نوع از مکتب فکری، غایت‌نهایی اخلاق را رفع معضلات می‌داند. برخی (Hendler, 1997; Low and Gleeson 1995) بر این باورند عصری که در آن زندگی می‌کنیم به نحوی ذاتاً با هر شکلی از اخلاق به جز اخلاق مساله‌محور معارضه می‌کند که از این لحاظ، زمان ما با دوران گذشته که کم‌تر دچار این معضلات بود تفاوت می‌کند. تغییرات اجتماعی و صنعتی گسترده و هجوم آن‌ها به زندگی روزمره به شکل غیرقابل پیش‌بینی و وسیع، چگونگی تصمیم گرفتن را ضروری ساخته و هم‌گام با تغییرات یاد شده کشف ساختار یک تصمیم خوب را در دستور کار کنش‌گران و هم‌چنین برنامه‌ریزان قرار داده است. در واقع مکتب‌های سنتی اخلاق، ثبات اجتماعی را پیش‌فرض گرفته‌اند و این درحالی است جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم و برنامه‌ریزان با آن سروکار دارند جهانی بی‌ثبات و آکنده از نامعلومی‌ها و عدم قطعیت‌هاست که نیازمند توجه به کدهای اخلاقی متناسب با زمان و موقعیت است و این همان خط اصلی تفکر اخلاق مساله‌محور است (Klosterman, 2004; Edmund, 2007). به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحث کدهای اخلاقی حرفه‌ای در عرصه‌ی برنامه‌ریزی، می‌توان به بحث آموزش اخلاقی برنامه‌ریزان بر مبنای اخلاق مساله‌محور اشاره کرد. برنامه‌ریزان از مساله‌محوران چه خواهند آموخت؟ چگونگی تصمیم گرفتن مهم‌ترین موضوعی است که باید به برنامه‌ریزان آموخت و براساس یک تقریر عامیانه و رایج از مساله‌محوری، باید به گونه‌ای مطلوب، مجموعه‌ای از اصول ثابت اخلاقی را که ممکن

دوم: یکی از سودمندی‌های کدهای اخلاقی در این است که برای کسی که در دوره‌ی اخلاقی واقع شده و در جستجوی دلیل عقلانی برای تصمیمی است که باید بگیرد، مفید افتد، بنابراین اخلاق در پی یافتن چنین دلایلی است و اغلب تصور بر آن است که قوانین و اصول اخلاقی از این دلایل بدست می‌آیند؛ سوم: کدهای اخلاقی موضوع‌های مرتبط با دوره‌ی-های اخلاقی را به سمت اخلاق مساله‌محور<sup>۹۶</sup> سوق می‌دهد؛

سنت‌های دیرپا درباره‌ی اخلاق - از ارسطو و افلاطون تا هیوم و هگل - در تعارض با اخلاق مساله‌محور قرار دارند (Edmund, 2004). این مشرب فکری در حوزه‌ی اخلاق، با اتخاذ تصمیم‌های پیچیده‌ی خاص سروکار دارد و در پی ارائه‌ی دلایل و توجیهاتی ویژه درباره‌ی انتخاب‌های یاد شده و چرایی اتخاذ تاکتیک‌های مختلف از سوی کنش‌گر - که می‌تواند برنامه‌ریزی هم باشد - است. سنت‌های دیرپا برخلاف اخلاق مساله‌محور به آن اندازه که به روشنگری و تعلیم و تربیت اخلاقی و یا سعادت بشری پرداخته‌اند، به تبیین و ارائه‌ی راه‌حل برای موقعیت‌های مساله‌آفرین<sup>۹۷</sup> نپرداخته‌اند. به عنوان نمونه ارسطو بخش عمده‌ای از کتاب اخلاق نیکوماخوس را به بهترین نوع زندگی فردی و ویژگی‌های منشی اختصاص داده است (Edmund, 2004; Upton, 2002). به‌طور کلی برنامه‌ریزی زندگی انسانی در اولویت توجه ارسطو بوده و با اختیار دیدگاهی وسیع درباره‌ی اخلاق، چگونگی زیست در مقابل چگونگی مواجهه با مسایل اخلاقی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. بنابراین اگر ارسطو با یک مساله اخلاقی روبرو شود حق دارد تا پیش‌فرض‌های بسیاری که با تربیت و معرفت افراد ارتباط دارد مدنظر قرار دهد، اما اگر ما از زاویه‌ی دید خودمان بنگریم، از رویارو کردن ارسطو با یک مساله‌ی پیچیده‌ی اخلاقی موقعیت‌مند، تصویری مبهم و ناشفاف خواهیم داشت؛ زیرا نوع مسایلی که عامل‌های اخلاقی معتدل ارسطو معمولاً با آن مواجهند خیلی با آن‌چه هرکس - معتدل و نامعتدل - باید در اوضاع و احوال خاص انجام دهد، مرتبط نیست، بل بیشتر به

اما محور اصلی توجه قابلیت به کارگیری اصول اخلاقی در موقعیت‌ها و دوره‌های اخلاقی است که برنامه‌ریزان در فرآیند برنامه‌ریزی با آن مواجه هستند؛ اخلاق مساله‌محور با جهان اجتماعی پیچیده و مملو از نامعلومی‌ها سر و کار دارد و فاصله‌گذاری جدی بین حقوق و اخلاق قایل است و خصوصیات فردی و شخصی افراد را در نحوه‌ی مواجهه با موقعیت‌های اخلاقی مهم می‌داند؛ موضوعی که در حقوق نادیده گرفته می‌شود؛

-هدف غایی اخلاق مساله‌محور در برنامه‌ریزی رفع اوضاع و احوال مساله‌آفرینی است که به آن‌ها دچار شده‌ایم، البته نوع مشکلات در فلسفه‌ی عملی است نه فلسفی نظری؛

-موضوع‌های مربوط به ساختار منطقی «احکام اخلاقی» -برآمده از کدهای اخلاقی در برنامه‌ریزی- به همان اندازه که برای یک «غیرمساله‌محور» مهم است برای یک مساله‌محور هم اهمیت دارد. اما انتظار می‌رود احکام اخلاقی مورد بحث به همان میزان که در مورد معیارهای آرمانی هستند، به وظایف و الزاماتی که بر هر برنامه‌ریزی فرض است نیز بپردازند.

است در اوضاع و احوال متفاوت به کار آید به آن‌ها آموزش داد. اصول اخلاقی مورد بحث باید دستوراتی باشند که از قابلیت فراگیر شدن برخوردار بوده و بتوانند برای هر کسی که در شرایط مشابه قرار می‌گیرد به کار آیند. البته ذکر این نکته الزامی است که اخلاق مساله‌محور نیازمند القا و آموزش فضایل منشی است و در واقع برنامه‌ریزان با منش اخلاقی خوب می‌توانند از عهده‌ی شرایط مشکل پیش‌آمده برآیند و در مورد مشکلاتی که پیش‌بینی نکرده‌اند، اندیشه کنند، اما برای خوب اندیشیدن، پیش‌تر باید به بلوغ منش اخلاقی رسیده باشد و دارای فضایی از قبیل وفاداری، عدالت و صداقت باشد. بنابر آن‌چه گفته شد کدهای اخلاقی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی در درون مکتب فکری اخلاق مساله‌محور قرار می‌گیرد و به کارگیری آن دارای اصول و پیش‌شرط‌هایی است که در ادامه به‌طور فشرده بدان‌ها اشاره می‌شود:

-اخلاق مساله‌محور برخلاف مکتب‌هایی هم‌چون پیام‌گرایی، قراردادگرایی و وظیفه‌گرایی، شأن اخلاق را حل مسایل و معضلات اجتماعی می‌داند و در این مسیر بر پشتوانه‌ی فضایل منش فردی نیز تاکید دارد،

## پانویس

- 1-Post- positivism
- 2-Theory of planning
- 3-Participatory approach
- 4-Post- modernity
- 5-Neo-pragmatism
- 6-Modernity
- 7-Positivism
- 8-Rational comprehensive planning
- 9-Quantitative models

تقسیم می‌شوند. در ارزش‌های نسبی اساسا بر نقش برنامه‌ریزان (فنی، سیاسی و ترکیبی‌ها) تاکید می‌شود. در ارزش‌های قطعی نیز بر مفاهیم و ارزش‌هایی همچون عدالت در برنامه‌ریزی اشاره می‌شود.

- 29-Contestation
- 30-Bureaucratic practices
- 31-Ethical judgments
- 32-Administrative discretion
- 33-Public welfare
- 34-Moral implications
- 35-Obligations
- 36-Knowledge and competence
- 37-Loyalty

- 10-Habermass
- 11-Cohen
- 12-Foucault
- 13-Adorno
- 14-Methodological rules
- 15-Modern ideas
- 16-Disciplinary
- 17-Wisdom

۱۸- در این ارتباط نگاه کنید به: پایا، علی (۱۳۹۵)، فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد، طرح نقد، تهران، صص ۵۰۸-۵۱۱.

- 19-Sophistication
- 20-Exponential
- 21-Practice
- 22-Cautious surgeons
- 23-Public interest
- 24-Ethical content
- 25-Planning practice
- 26-Commonly held behavioral norms
- 27-American Planning Association (APA)

۲۸- در حقیقت هنجارهای رفتاری متأثر از ارزش‌های تعریف شده در برنامه‌ریزی هستند که به دو گروه ارزش‌های قطعی و نسبی

۶۹-منظور از داده‌های ذهنی در اینجا تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی است.

70-Thematic Analysis  
71-Template Analysis  
72-Thematic Network  
73-Thematic Matrix  
74-Comparative Analysis  
75-Basic Thematic  
76-Responsibility  
77-Respect  
78-Fairness  
79-Honesty  
80-Credibility  
81-Codes of professional ethics  
82-Ethical prescriptions  
83-Rhetoric  
84-Open and democratic  
85-Situated Judgment  
86-Release draft recommendation on request  
87-Distort information  
88-Threat  
89-Leak information  
90-Suburban planner  
91-Organize coalition of support to induce pressure  
92-Change technical judgment due to pressure  
93-dramatize problem to overcome apathy  
94-assist group overturn an official planning action  
95-Dilemma  
96-Quandary ethics or problem oriented ethics  
97-Problematic

38-Virtue  
39-Policy  
40-Explosive  
41-Prescriptions  
42-System sustaining  
43-System challenging  
44-Efficiency  
45-Structure of ethical choice  
46-Normative basis  
47-Technical integrity  
48-Technically oriented  
49-Politically oriented  
50-Hybrids  
51-Role orientation  
52-Careerist  
53-Pretenders  
54-Professional ethics  
55-Social value  
56-Occupation of planning  
57-Practicing  
58-Client-serving  
59-Equality  
60-Democracy  
61-New power relationships  
62-Epistemological gap  
63-Social-spatial development  
64-Eclecticism  
65-Common interests  
66-Participation  
67-Self-discipline  
68-Protestant work ethic

## منابع و مآخذ

چلبی، م.، ۱۳۹۴. تحلیل اجتماعی در فضای کنش، نشر نی، چاپ سوم، تهران، ۳۳۲ ص.  
خداوردی، ح. ۱۳۸۷. متدولوژی پژوهش کیفی، ره آورد سیاسی، شماره ۲۱، صص ۴۱-۶۲.  
دانشپور، ز.، ۱۳۸۲. درآمدی بر پایه‌های نظری و گونه‌بندی نظریه‌های برنامه‌ریزی با تاکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، هنرهای زیبا، شماره ۱۵، صص ۴۲-۵۷.  
شریف زاده، م.ش. و عبدالله زاده، غ.، ۱۳۹۵. رویکرد اخلاقی به کارآفرینی و توسعه کسب و کار؛ مبانی نظری و رویکردهای پژوهشی، کارآفرینی در کشاورزی، شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۶.  
عابدی جعفری، ح.، تسلیمی، م.س.، فقیهی، الف. و شیخ زاده، م.، ۱۳۹۰. تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در

-ادریسی، الف.، رحمانی خلیلی، الف. و حسینی امین، ن.ف. ۱۳۹۰. بررسی و تبیین اعتماد اجتماعی از رویکرد نظریه ساخت یابی گیدنز، راهبرد اجتماعی و فرهنگی، شماره ۱، صص ۹-۳۲.  
-پایا، ع.، ۱۳۹۵. فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد، نشر طرح نقد، چاپ اول، تهران، ۹۹۲ ص.  
-چلبی، م.، ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۳۵۸ ص.  
-چلبی، م.، ۱۳۸۹. جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، چاپ پنجم، تهران، ۳۶۴ ص.

سطح جامعه، تحلیل اجتماعی، شماره ۷۰/۴، صص ۹۵-۳۵.

-ویر، م.، ۱۳۸۵. اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، ۲۶۳ ص.

www.irceo.net-

-Abend, G., 2013. What the Science of Morality Doesn't Say About Morality, *Philosophy of the Social Sciences*, v.43(2), p.157-200.

-Allmendinger, P., 2001. *Planning in Postmodern Times*, London: Routledge.

-Allmendinger, P., 2002. Towards a postpositive typology of planning theory, *Planning Theory* 1(1), p. 77-99.

-Allmendinger, P., and Tewdwr-Jones, M., 2002. New labour, new planning? The trajectory of planning in Blair's Britain, *Urban Studies*, v. 37(8), p.1379-1402.

-Campbell, H., 2006. Just Planning The Art of Situated Ethical Judgment, *Journal of Planning Education and Research*, v. 26, p. 92-106.

-Edmund, P., 1971. Quandary ethics, *Mind*, v. 320, p. 552-571.

-Faludi, A., 1987. *A Decision Centred View of Environmental Planning*. Oxford: Pergamon.

-Feldman, M.M.A., 1996. Science in Planning Theory and Planning: A Regulation Approach, *Planning Theory*, v.15, p.78-90.

-Furnham, A., 1987. Predicting protestant work ethic beliefs, *European Journal of Personality*, v. 1, p. 93-106.

-Goulet, D., 2006. *Development Ethics at Work*, Routledge, New York, 292 p.

-Gunder, M., 2006. Sustainability: Planning's saving grace or road to perdition? *Journal of Planning Education and Research*, v. 26(2), p. 208-221.

-Howe, E. and Kaufman, J., 1979. The Ethics of Contemporary American Planners, *Journal of the American Planning Association*, v.45(3), p. 243-255.

-Jones Jr, H., 1997. The Protestant Ethic: Weber's Model and the Empirical Literature, *Journal of Human Relations*, v. 50, p. 757-778.

داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۹۸.

-مومنی، ف.، ۱۳۸۵. اخلاق توسعه به مثابه رشته علمی جدید، مطالعات دین و اقتصاد، شماره ۲، صص ۶-۲۱.

-نقدی، و.، ۱۳۹۴. مطالعه تطبیقی تمایل افراد جامعه به رعایت اخلاق: با تأکید بر رعایت هنجار انصاف در

-Kaspar, D., 2015. How We Decide in Moral Situations, *Philosophy*, v. 90 (1), p. 59-81.

-Lauria, M. and Long, M., 2017. Planning Experience and Planners' Ethics, *Journal of the American Planning Association*, v. 83, p. 202-220.

-Maguire, M. and Delahunt, B., 2017. Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars, *Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, v. 9, p. 3350-33514.

-Marcuse, P., 2014. A Just Code of Ethics for Planners; A Priority for Planners Network, *Journal of Progressive Planning*, v. 198, p.16-19.

-Marcuse, P., 1976. Professional Ethics and Beyond: Values in Planning, *Journal of the American Institute of Planners*, v. 42, p. 264-274.

-Ploger, J., 2004. Ethics in Norwegian planning: legitimacy, ambivalence, rhetoric, *Journal of Planning Practice & Research*, v. 19, p.1-16.

-Sadri, H., 2012. Professional Ethics in Architecture and Responsibilities of Architects towards Humanity, *Turkish Journal of Business Ethics*, v. 5, p. 86-96.

-Sanyal, B., 2002. Globalization, ethical compromise and planning theory, *Journal of Planning Theory*, v. 1(2), p. 116-123.

-Taylor, N., 1992. Professional Ethics in Town Planning: What Is a Code of Professional Conduct For, *Journal of the Town Planning Review*, v. 63, p. 227-241.

-www.pmi.org

-Wachs, M., 1985. *Ethics In Planning*, Rutgers, The State University of New Jersey, 336 p.